

**مدرسه علمیه الزهرا (س) اردبیل**

**عنوان: برزخ در آیات قرآن**

**پژوهشگر: فاطمه رهبری**

## چکیده:

موضوع این نوشته برزخ در قرآن است. بررسی مسائل عالم برزخ حائز اهمیت می باشد و دانستن این مسائل و اطلاع از آن ها یک ضرورت است. بین دنیا و آخرت حائل و فاصله ای است که عالم "برزخ" نامیده می شود. برزخ جایی است که انسان ها بعد از رفتن از این دنیا، در آن جا اسکان می یابند تا نوبت نفخ صور فرا رسد. در این عالم انسان ها مانند عالم دنیا از زندگی برخوردارند، ولی سعادت و شقاوت در این زندگی به عهده خودشان و اراده خودشان نیست، بلکه بر اساس عملی است که در دنیا انجام داده اند.

زندگی در برزخ در آیات قرآن مانند آیه زیر منعکس می باشد:

« حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ . لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ <sup>۱</sup> »

تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد، می گوید: «پروردگارا، مرا بازگردانید، شاید من در آنچه وانهادم کار نیکی انجام دهم. نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد.

هم چنین روایاتی هم به این موضوع پرداخته اند. مانند:

« فَقَالَ الصَّادِقُ (عليه السلام): الْبَرْزَخُ الْقَبْرُ وَ فِيهِ الثَّوَابُ وَ الْعِقَابُ بَيْنَ الدُّنْيَا وَ الْآخِرَةِ <sup>۲</sup> .»

برزخ همان خانه قبر است، در آن جا ثواب و عقاب (برزخی) بین هست فاصله بین دنیا و آخرت.

از آیات و روایات متعددی که پیرامون عالم برزخ آمده است چنین برداشت می شود که اعمال نیک آدمی مثل کمک به مردم، اخلاق حسنه، صدقه دادن، نماز خواندن، صلح رحم و... باعث ایمنی از فشار قبر می شود و اعمالی مانند سوء خلق، شراب خواری، خوردن مال غیر، آزار و اذیت دیگران به خصوص پدر و مادر و... موجب فشار و تنگی قبر می شود.

عالم برزخ از ویژگی های مختلفی مانند محدود بودن نسبت به عالم آخرت، وجود صبح و شام، امکان افزایش نعمت یا عذاب و... برخوردار است. میت به اندازه درجه و مرتبه ای که دارد از خانواده و خویشانش دیدار می کند. زندگان نیز از طریق انجام عمل صالح به نیابت از اموات و زیارت قبور و... می توانند با برزخ نشینان ارتباط برقرار کنند.

کلیدواژه: برزخ- فشار قبر- آیات و روایات

<sup>۱</sup> - سوره مؤمنون، آیات ۹۹-۱۰۰

<sup>۲</sup> - علی بن ابراهیم، قمی، تفسیر قمی، تحقیق طیب موسوی جزائری، ۲ جلد، دارالکتاب، قم، ۱۴۰۴ق، ج ۱، ص ۱۹

## مقدمه :

آدمی ، آنگاه که بهره ای از رشد عقلانی می یابد و مواردی از مرگ را در میان اطرافیان خود تجربه می کند ، درمی یابد که سکونتش در عالم طبیعت ، جاویدان و ابدی نیست و دیر یا زود منزلگاه دنیوی خویش را ترک خواهد کرد و هم آغوش مرگ خواهد شد . در این جاست که خود را با پرسش های اساسی روبرو می بیند : آیا مرگ پایان هستی آدمی است یا انتقال از جهانی به جهان دیگر است ؟ در صورتی که مرگ به معنای نابودی مطلق انسان نباشد ، ویژگی های حیات اخروی چیست ؟ چه رابطه ای میان این دو مرحله از هستی آدمی برقرار است ؟ این پرسش ها و ده ها پرسش مشابه دیگر همواره ذهن انسان را به خود فرا می خواند و کمتر کسی را می توان یافت که در طول عمر خویش به آن نیندیشیده و دغدغه پاسخ آن را در سر نداشته باشد .

خداوند در قرآن کریم فرموده است : « وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ »<sup>۱</sup>؛ و پشت سر آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته شوند .

هنگام مرگ ، فرشتگان الهی ، روح را از بدن می گیرند ، و بدین گونه ، انسان ، از مرحله ای به مرحله دیگر از حیات وارد می شود . از متون ارزشمند دینی استفاده می شود که انسان ، بعد از مرگ و پیش از برپایی قیامت ، مدتی را در عالم قبر و برزخ می گذراند .

انسان نردبان رشد را از دنیا آغاز می کند . یعنی مدتی با عبادت و آزمایش های الهی ، آماده ورود به برزخ می شود . در حیات برزخی نیز گونه هایی از عذاب یا نعمت ها را می بیند و آماده ورود به عالم آخرت می شود . آن ها که در دنیا کاستی هایی داشته اند ، در برزخ به تدارک و جبران می پردازند . این حالت ادامه دارد تا وقتی که دنیا تمام و زمان دمیدن صور اسرافیل شود . آن گاه همه می میرند و قیامت برپا می شود .

## ۱- برزخ چیست؟

### ۱-۱- برزخ در لغت :

راغب در مفردات می فرماید : «الْبَرْزَخُ: الْحَاجِزُ وَالْحَدَّ بَيْنَ الشَّيْئَيْنِ ، وَقِيلَ : أَوَّلُهُ بَرْزَخٌ فَعَرَّبَ ، وَقَوْلُهُ تَعَالَى : بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ [الرَّحْمَنُ / ۲۰] ، وَالْبَرْزَخُ فِي الْقِيَامَةِ : الْحَائِلُ بَيْنَ الْإِنْسَانِ وَبَيْنَ بُلُوغِ الْمَنَازِلِ الرَّفِيعَةِ فِي الْآخِرَةِ ، وَذَلِكَ إِشَارَةٌ إِلَى الْعَقَبَةِ الْمَذْكُورَةِ فِي قَوْلِهِ عَزَّ وَجَلَّ : فَلَمَّا افْتَتَحَ الْعَقَبَةَ [الْبَلَدُ / ۱۱] ، قَالَ تَعَالَى : وَ مِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ [المؤمنون / ۱۰۰] ، وَ تِلْكَ الْعَقَبَةُ مَوَانِعٌ مِنْ أَحْوَالٍ لَا يَصِلُ إِلَيْهَا إِلَّا الصَّالِحُونَ . وَقِيلَ : الْبَرْزَخُ مَا بَيْنَ الْمَوْتِ إِلَى الْقِيَامَةِ .<sup>۲</sup>»

البرزخ : حدّ و مرز و مانع میان دو چیز، می گویند ، اصلش برزه- است که معرب شده در آیه (بَيْنَهُمَا بَرْزَخٌ لَا يَبْغِيَانِ - ۲۰ / الرَّحْمَن) برزخ در قیامت حائلی میان انسان و رسیدن به مقامات عالی اخروی است و

<sup>۱</sup> - سوره مؤمنون ، آیه ۱۰۰

<sup>۲</sup> - حسین بن محمد ، راغب اصفهانی ، مفردات ألفاظ القرآن ، چاپ : اول ، بیروت - دمشق ، ۱۴۱۲ق ، ص ۱۱۸

این اشاره‌ای است به رویداد مذکور در آیه (فَلَا افْتَحَمَ الْعَقَبَةَ - ۱۱ / بلد) و (وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ - ۱۰۰ / مؤمنون) این رویدادها، و عقبه‌ها، موانعی است از حالات مختلفی که به آنها نمی‌رسند مگر انسانهای شایسته و صالح، و گفته‌اند برزخ - میان مرگ تا قیامت است.<sup>۱</sup>

## ۲-۱- برزخ در اصطلاح:

برزخ عالمی است که خداوند عالم بین دنیا و آخرت قرار داده است که این دو به وصف خود باقی باشند . عالمی است بین امور دنیوی و اخروی . برزخ عالم مجردات است لکن به صراحت آخرت هم نیست . یعنی برای اهل معصیت ، ظلمت محض و برای اهل طاعت نور محض هم نیست .<sup>۲</sup>

عالم برزخ ، بلافاصله پس از مرگ شروع می شود و تا روز قیامت ادامه دارد . جهان برزخ ، همانند دنیا پایان یافتنی است و با برپایی روز رستاخیز و قیامت به انتها می رسد . به عالم برزخ عالم مثال می گویند ؛ زیرا در این عالم ، روح به بدن مثالی تعلق می گیرد . مقصود از بدن مثالی بدنی است که از جنس ماده نیست و جرم و حجم و وزن ندارد ؛ اما از برخی لوازم و ویژگی های اشیای مادی مانند شکل و اندازه برخوردار است . بدن های برزخی ارواح ، برحسب ظاهر ، کاملاً با بدن های دنیوی آن ها مشابهت دارند .<sup>۳</sup>

برزخ ، عالمی حائل بین دنیا و آخرت است ؛ عالمی که ویژگی های خود را دارد ، عالم ارواح است و ارواح پس از خروج از بدن ها به آن جا منتقل خواهند شد و این عالم تا قیامت ادامه خواهد داشت . عالمی که به آن عالم قبر نیز گفته می شود چنان چه منظور از عذاب قبر، سؤال قبر و ... عذاب و سؤال در برزخ می باشد .<sup>۴</sup>

روزگار حائل بین دو عالم دنیا و آخرت را برزخ یا عالم قبر می گویند ؛ بنابراین برزخ دوران و روزگار پس از مرگ و پیش از قیامت است .

## ۲- آیا برزخ همان عالم قبر است ؟

امام زین العابدین(علیه السلام) فرمود :

«ان القبراما روضة من رياض الجنة او حفرة من حفر النيران .»<sup>۵</sup>

همانا قبر ، یا باغی از باغ های بهشت و یا گودالی از گودال های جهنم است .

۱- حسین بن محمد ، راغب اصفهانی، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن ، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی ، ۲ جلد ، چاپ: دوم، تهران، ۱۳۷۴ش، ج ۱، ص ۲۵۹

۲- عبدالحسین ، دستغیب شیرازی ، ۱۰۰۰ سؤال ، تنظیم و تصحیح و مقدمه محمد هاشم دستغیب ، انتشارات ناس ، ۱۳۷۱، ص ۳۹

۳- مصطفی ، آزدیان ، سیمای انسان در عالم برزخ ، ره توشه راهیان نور، متون علمی آموزشی مبلغان ، ویژه رمضان ۱۴۳۶-ق-۱۳۹۴-ش ، تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوز علمیه قم معاونت فرهنگی و تبلیغی ، بهار ۱۳۹۴، ص ۱۶۷

۴- مهدی ، فربودی ، برزخ ، چاپ دوازدهم ، قم ، انتشارات دیوان ، قم ، ۱۳۸۶، ص ۱۵

۵- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، بحار الأنوار الجامع لدرر الانوار، ۱۱۰ جلد ، چاپ: دوم، بیروت، ۱۴۰۳ ق ، ج ۶، ص ۱۵۹

### ۳-راز وجود زندگی برزخی در عرصه برزخ چیست؟

فلسفه وجودی عالم دنیا و زندگی دنیوی روشن است؛ چرا که این جا دار عمل و محل امتحان و تحصیل کمالات و توشه برداشتن برای آخرت است. قیامت هم فلسفه اش روشن است، محل رسیدگی به اعمال و جایی است که به امتحانی که در دنیا داده ایم نمره می دهند که قبولیم یا خیر و جزا می دهند. در این میان فلسفه وجودی برزخ چیست؟

برزخ یک مقدمه و پیش درآمد و یک دوره آمادگی برای ورود به عالم قیامت است. همان طور که ورود به دانشگاه و تحصیلات عالی، دوره مقدماتی می خواهد. یا در آموزش شنا، ابتدا در عمق های کم دوره آمادگی را می گذرانید، بعد وارد آب های عمیق می شوید.

حال ما هم در سیر «انا الیه راجعون» که می خواهیم به عوالم برتر وارد شویم، تا یک آمادگی کسب نکنیم، تحمل نداریم از عالم دنیا یک مرتبه وارد عرصه قیامت شویم. زندگی در قیامت فوق درک و طاقت ماست؛ هم عذاب هایش هم لذت هایش<sup>۱</sup>.

فلسفه وجود عالم برزخ که در میان دنیا و آخرت قرار دارد، فلسفه وجودی هر مرحله متوسط هم است؛ زیرا انتقال از محیطی به محیط دیگر که از هر نظر با آن متفاوت است، در صورتی قابل تحمل خواهد بود که مرحله میانه ای وجود داشته باشد؛ مرحله ای که بعضی از ویژگی های مرحله اول و پاره ای از ویژگی های مرحله دوم را دارا باشد.

خداوند در میان دنیا و آخرت عالم برزخ را قرار داده است، می شود گفت که این یک نوع لطف و ارفاقتی در حق بندگان می باشد زیرا در عالم برزخ ممکن است که به واسطه باقیات صالحات و کارهای نیک ورثه و حتی دوستان و اقوام به درجه میت افزوده شود و یا از گناهان او کاسته شود.

و دیگر این که نظام آفرینش چنین چیزی را اقتضا می کند چون عالم دنیا عالم ماده و آثار و عالم آخرت عالم عقل می باشد که نه در آن ماده است و نه آثار آن. بنابراین ارتباط عالم دنیا به عالم آخرت، ضروری و لازم می نماید.<sup>۲</sup>

### ۴-برزخ در آیات قرآن:

آیات فراوانی در قرآن بر وجود برزخ دلالت می کنند که در این جا به برخی از آن ها اشاره می شود:

۱- «حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ . لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَمِنْ وَرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ»<sup>۳</sup>

۱- مسعود، عالی، سرنوشت انسان برزخ و نفخه صور، چاپ سوم، بی جا، انتشارات عطش، ۱۳۹۲، ص ۱۲۰-۱۲۱

۲- علی، سالک، هزارو یک چرا، چاپ دوم، قم، انتشارات ام ابیها، زمستان ۱۳۸۲، ص ۲۷۵

۳- سوره مؤمنون، آیات ۹۹-۱۰۰

تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد ، می‌گوید : «پروردگارا ، مرا بازگردانید ، شاید من در آنچه وانهاده‌ام کار نیکی انجام دهم . نه چنین است ، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد .

ظاهر آیه می‌رساند که برای ایشان ، پس از مرگ ، حد فاصل و حائل است میان زندگی دنیا و روز رستاخیز ، و انسان در این حد فاصل باقی می‌ماند ، در این صورت باید علاوه بر جسم که در این حد می‌پوسد و متفرق می‌گردد ، باید برای انسان غیر از بدن ، واقعیتی باشد که بتوان گفت وی در این حد فاصل می‌ماند و این واقعیت همان روح و روان است . گذشته بر این ، ظاهر آیات مربوط به مشرکان منکر رستاخیز است ، این گروه چرا چنین آرزو می‌کنند که بار دیگر به این جهان باز گردند؟ به خاطر این که در لحظات مرگ ، جایگاه خود را در برزخ مشاهده کرده و از سرنوشت رقت بار خود آگاه می‌شوند . و اگر در چنین لحظات چیزی برای آنان آشکار نمی‌شد ، جهت نداشت که گروه منکر رستاخیز ، آرزو کنند که بار دیگر به این جهان باز گردند <sup>۱</sup>.

آیه مورد بحث (وَمِنْ وَّرَائِهِمْ بَرْزَخٌ إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ) ظاهر در وجود عالم برزخ است ، هر چند بعضی خواسته‌اند کلمه برزخ را در این آیه به معنی ، بازگشت به این دنیا معرفی کنند و گفته‌اند مفهوم آیه این است که پشت سر انسان مانعی است که او را از بازگشت به این جهان منع می‌کند ، ولی این معنی بسیار بعید به نظر می‌رسد ، زیرا تعبیر به "إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ" (تا روز رستاخیز) دلیل بر این است که این برزخ در میان دنیا و آخرت قرار گرفته ، نه میان انسان و دنیا <sup>۲</sup>.

بعضی گفته‌اند : مراد از آیه این است که بین ایشان و بین دنیا حاجز و حائل است که نمی‌گذارد ایشان تا روز قیامت دیگر به دنیا باز گردند ، بعد از قیامت هم که دیگر بر نگشتن معلوم است پس این جمله می‌خواهد بر نگشتن به دنیا را تأکید کند و به کلی مایوسشان نماید .

ولی این حرف صحیح نیست ، چون از ظاهر سیاق بر می‌آید که حائل و برزخ مذکور بین دنیا و روز قیامت که در آن مبعوث می‌شود امتداد دارد نه بین ایشان و برگشت به دنیا ، چون اگر مراد حائل میان ایشان و برگشت به دنیا بود قید "إِلَى يَوْمِ يُبْعَثُونَ" لغو می‌شد ، البته نه از این جهت که مفهوم جمله "تا روز قیامت بر نمی‌گردند" این است که بعد از قیامت بر می‌گردند و آن هم محال است ، بلکه از این جهت که اصل این تقييد لغو است و لو اینکه از خارج یا از آیات دیگر دانسته باشیم که بعد از قیامت بازگشت محال است <sup>۳</sup>.

- «قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ بِمَا غَفَرَ لِي رَبِّي وَجَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ»<sup>۴</sup>

<sup>۱</sup>- جعفر ، سبحانی، خدا و معاد ، انتشارات توحید ، قم ، ۱۳۵۹ ، ص ۹۷-۹۸

<sup>۲</sup>- ناصر ، مکارم شیرازی و همکاران ، تفسیر نمونه ، ۲۷ جلد ، چاپ: سی و دوم ، تهران ، دار الکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۴ ، ج ۱۴ ، ص ۳۱۵

<sup>۳</sup>- محمد حسین ، طباطبایی ، تفسیر المیزان ، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی ، ۲۰ جلد ، چاپ: پنجم ، قم دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به

جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) ، ۱۳۷۴ ، ج ۱۵ ، ص ۹۸

<sup>۴</sup>- سوره یس ، آیات ۲۶-۲۷

سرانجام به جرم ایمان کشته شد ، و بدو<sup>۱</sup> گفته شد : «به بهشت درآی .» گفت: «ای کاش ، قوم من می دانستند ، که پروردگارم چگونه مرا آمرزید و در زمره عزیزانم قرار داد .

جالب اینکه این تعبیر نشان می دهد که شهادت این مرد مؤمن همان ، و داخل شدن او در بهشت همان ، آن چنان فاصله میان این دو کم و کوتاه بوده است که قرآن مجید در تعبیر لطیفش به جای ذکر شهادت او دخول او را در بهشت بیان کرده ، و چه نزدیک است راه بر شهیدان، راه بهشت و سعادت جاویدان ! روشن است منظور از بهشت در اینجا بهشت برزخی است ، چرا که هم از آیات و هم از روایات استفاده می شود که بهشت جاویدان در قیامت نصیب مؤمنان خواهد شد همان گونه که دوزخ نیز در مورد بدکاران چنین است .

بنابر این بهشت و دوزخ دیگری در عالم برزخ است که نمونه ای از بهشت و دوزخ رستاخیز می باشد . به هر حال روح پاک این مرد به آسمان ها ، در جوار قرب رحمت الهی و در نعیم بهشتی ، شتافت ، و در آنجا تنها آرزویش این بود که " گفت : ای کاش قوم من می دانستند " (قَالَ يَا لَيْتَ قَوْمِي يَعْلَمُونَ). ای کاش می دانستند که " پروردگارم مرا مشمول آمرزش و عفو خویش قرار داد و در صف گرامیان جای داد " (بِمَا عَفَّرَ لِي رَبِّي وَ جَعَلَنِي مِنَ الْمُكْرَمِينَ) ای کاش چشم حق بینی داشتند ، چشمی که با حجابهای ضخیم و سنگین جهان مادی محجوب نگردد ، و آنچه را در پشت این پرده است ببینند یعنی تا این همه نعمت و اکرام و احترام خدا را بنگرند و بدانند در مقابل اهانت های آنها خداوند چه لطفی در حق من فرموده است ، ای کاش می دیدند و ایمان می آوردند اما افسوس!<sup>۱</sup>

به طوری که از سیاق برمی آید - اشاره می کند به اینکه مردم قریه آن مرد را کشتند ، و خدای تعالی از ساحت عزتش به وی خطاب کرد که داخل بهشت شو . و مؤید این احتمال جمله بعد است که می فرماید : " وَ مَا أَنْزَلْنَا عَلَى قَوْمِهِ مِنْ بَعْدِهِ " ، چون در آیه مورد بحث جمله " قِيلَ ادْخُلِ الْجَنَّةَ " ، به جای خبر از کشته شدن مرد نشسته تا اشاره باشد به این که بین کشته شدن آن مرد به دست مردم قریه ، و ما بین امر به داخل شدنش در بهشت ، فاصله چندانی نبوده ، آن قدر این دو به هم متصل بودند که گویی کشته شدنش همان و رسیدن دستور به داخل بهشت شدنش همان و بنا بر این مراد از " جنت " بهشت برزخ است نه بهشت آخرت .<sup>۲</sup>

امام صادق (علیه السلام) طبق روایتی می فرماید :

«إذا زرتم موتاكم قبل طلوع الشمس سمعوا و اجابوكم و اذا زرتموهم بعد طلوع الشمس سمعوا و لم يجيبوكم»<sup>۳</sup>

هنگامی که مردگان خود را قبل از طلوع خورشید زیارت کنید (آن ها زیارت شما را) می شنوند و شما را پاسخ می گویند؛ اما اگر بعد از طلوع خورشید آن ها را زیارت نمایید ، می شنوند ؛ اما پاسخگو نیستند .

<sup>۱</sup>-ناصر، مکارم شیرازی و همکاران ، ج ۱۸ ، ص ۳۵۴

<sup>۲</sup>- محمد حسین ، طباطبایی ، ج ۱۷ ، ص ۱۱۶

<sup>۳</sup>-محمد باقر بن محمدتقی ، مجلسی ، ج ۱۰۲ ، ص ۲۹۷

طبیعی است که اگر عالم برزخ وجود نداشته باشد، روایت این چنینی هم نباید معنای معقولی داشته باشد؛ زیرا وقتی مردگان به خاک و ماده بی شعور تبدیل شوند و حقیقتی دیگر از انسان (که تمام انسانیت او را تشکیل می دهد) در عالمی دیگر وجود نداشته باشد تا دعای خیر و زیارت زندگان را بشنوند، نمی توان گفت آنان صدای شما را می شنوند و پاسخ می دهند.

## ۱- حیات برزخی :

انسان در عالم برزخ حیات برزخی متناسب با آن عالم دارد. دلیل این حقیقت، آیات و روایات فراوانی است که برای نمونه به بعضی از آن ها اشاره می شود:

«وَلَا تَقُولُوا لِمَنْ يُقْتَلُ فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتٌ بَلْ أْحْيَاءٌ وَ لَكِنْ لَا تَشْعُرُونَ»<sup>۱</sup>

و کسانی را که در راه خدا کشته می شوند، مرده نخوانید، بلکه زنده اند؛ ولی شما نمی دانید.

آیه شریفه با صراحت می فرماید: به کشته شدگان در راه خدا مرده اطلاق نکنید. آنان به حسب ظاهر کشته شده و مرده اند؛ اما خداوند به زنده بودن ایشان شهادت می دهد. بله، انسان عادتاً نمی تواند با ابزار محدود شناختی که در دسترس دارد، حیات برزخی آنان را درک کند؛ ولی می دانیم که «نیافتن، دلیل نبودن نیست». بنابراین درک نکردن حیات برزخی آنان، دلیل مرده پنداشتن آن ها نخواهد بود؛ چرا که حیات برزخی مربوط به روح انسان است و روح هم حقیقتی است که با ابزار مادی نمی توان آن را شناخت. دلالت آیه شریفه بر وجود حیات برزخی شهدا صریح می باشد.<sup>۲</sup>

روایاتی هم در این باب وارد شده است که این معنا را تأیید می کنند؛ از جمله:

جابر از امام باقر(علیه السلام) نقل می کند که شخصی نزد پیامبر آمده و عرض کرد: من برای جهاد راغب بوده و دارای پشتکار هستم. حضرت فرمودند:

«فجاهد فی سبیل الله- فإنک إن تقتل کنت حیا عند الله ترزق، و إن مت فقد وقع أجرک علی الله- و إن رجعت خرجت من الذنوب إلی الله- هذا تفسیر «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْوَاتًا»<sup>۳</sup>

در راه خدا جهاد کن که اگر کشته شوی زنده هستی و در نزد خدا روزی داری و اگر مردی اجرت در نزد خداست و اگر بازگشتی از گناهان پاک می شوی و این تفسیر آیه شریفه «وَلَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا .....» است.

۱- سوره بقره، آیه ۱۵۴

۲- علی محمد، قاسمی، برزخ، چاپ چهارم، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمه الله علیه)، ۱۳۸۸ ص ۲۳۱-۲۳۲

۳- محمد بن مسعود، عیاشی، تفسیر العیاشی، تحقیق و تصحیح هاشم رسولی محلاتی، چاپ: اول، تهران، ۱۳۸۰ ق، ج ۱، ص ۲۰۶



وجه دلالت این روایت بر حیات برزخی روشن است؛ زیرا تصریح دارد که کشته شدگان در راه خدا پس از مرگ، از رزق و روزی الهی برخوردارند. بدون وجود حیات برزخی چنین چیزی امکان ندارد، علاوه بر این حضرت می فرماید: این تفسیر آیه شریفه «**و لا تحسبن الذین قتلوا...**» است

## ۲- چگونه حیات برزخی :

«**و قالوا أ إذا ضللتنا في الأرض إنا لفي خلقٍ جديدٍ بل هم بِلِقَاءِ رَبِّهِمْ كَافِرُونَ . قُلْ يَتَوَفَّاكُم مَلَكُ الْمَوْتِ الَّذِي وُكِّلَ بِكُمْ ثُمَّ إِلَىٰ رَبِّكُمْ تُرْجَعُونَ**»<sup>۱</sup>

آنها گفتند: «آیا هنگامی که ما (مردیم و) در زمین گم شدیم، آفرینش تازه‌ای خواهیم یافت؟! « ولی آنان لقای پروردگارشان را انکار می کنند (و می خواهند با انکار معاد، آزادانه به هوسرانی خویش ادامه دهند). بگو: «فرشته مرگ که بر شما مأمور شده، (روح) شما را می گیرد؛ سپس شما را بسوی پروردگارتان بازمی گردانند.»

در این آیه شریفه مشتقات واژه «توفی» به کار رفته؛ از این رو می توان گفت: حیات برزخی، روحانی است؛ چرا که روح، حقیقتی است که تمام انسانیت انسان را تشکیل می دهد و هنگام مرگ کاملاً اخذ شده از بدن خارج می شود. بدن هم جز وسیله ای مادی برای فعالیت های روح در دنیا نخواهد بود.

## ۳- ترسیمی از زندگی برزخی :

حقیقت عالم برزخ و به طور کلی عالم پس از مرگ فعلاً برای ما قابل درک نیست همان گونه که درک حقیقت دنیا برای جنین که در شکم مادر است ممکن نیست و تنها یک دورنمایی از آن به واسطه آیات و روایات قابل تصور است.

شهید دستغیب در کتاب معاد می نویسد: «"عالم برزخ" نسبت به این دنیا مانند همین دنیاست به شکم مادر. اگر به بچه در شکم مادر بگویند در ورای این محل تو عالمی است که بسیار بزرگ تر از شکم مادر است نمی تواند ادراک کند و بفهمد. همچنین برای ما که محسوس بین هستیم شرح عوالم بعد قابل درک نیست. عالم برزخ محیط به این جهان است مانند احاطه این عالم به رحم مادر، بهتر از این نمی شود تعبیر کرد.<sup>۲</sup>»

بدن برزخی و عذاب و نعمت های آن جا را می توان به گونه ای به لذت و یا نعمت های موقع خواب تشبیه کرد. انسان در عالم رؤیا واقعاً یک رشته کارهایی را انجام می دهد، راه می رود، سخن می گوید، می اندیشد و ... هرگاه این کارها را با زندگی عنصری و مادی بسنجیم، فاقد حقیقت خواهد بود، ولی اگر از

<sup>۱</sup>-سوره آل عمران، آیه ۱۶۹

<sup>۲</sup>-سوره سجده، آیه ۱۰-۱۱

<sup>۳</sup>-عبدالحسین، دستغیب شیرازی، معاد، چاپ دوم، مشهد، انتشارات مهر نورا، ۱۳۸۶، ص ۴۸

نسبت گیری و مقایسه صرف نظر کنیم ، باید گفت این کارها در ظرف رؤیا برای خود حقیقتی دارند ، زیرا خوشی ها ، آرامش ها و آلام و دردهای رؤیایی برای خود خالی از یک نوع واقعیت نیست . حالا اگر یک چنین زندگی رؤیایی واقعیت بیشتر و حقیقتی روشن تر پیدا کند باید نام آن را " زندگی برزخی " نامید .<sup>۱</sup>

#### ۴- فشار قبر :

با توجه به آن که حیات برزخی ، نخستین مرحله از حیات پس از مرگ است ، روشن می شود که سؤال و جواب در قبر ، و شکنجه شدن مرده ای که تبهکار بوده ، و در نعمت قرار گرفتن مرده ای که درستکار بوده است صحیح می باشد و ابهامی در آن وجود ندارد . انسان در برزخ زنده است و مورد سؤال واقع می شود و سپس یا شکنجه می گردد و یا از رحمت الهی بهره مند می شود .

#### ۴-۱- عوامل فشار قبر :

##### ۴-۱-۱- سبک شمردن نماز :

در باب اسباب فشار قبر باید توجه داشت که : یکی از این گونه اسباب ، سبک شمردن نماز است . در احادیث آمده : فاطمه زهرا (سلام الله علیها) از رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم ) پرسید : کیفر کسی که به نماز اهمیت ندهد (یعنی آن را سبک بشمارد ) چیست ؟ پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله و سلم ) پاسخ داد :

« من تهاون بصلوته من الرجال و النساء إبتلاه الله بخمسة عشر خصلة، ست منها فی دار الدنيا و ثلاث عند موته و ثلاث فی قبره و ثلاث فی القيامة إذا خرج من قبره..... و أما اللواتی تصیبه فی قبره فاولیهن: یوکل الله به ملکا یزعجه فی قبره، و الثانية: یضیق علیه قبره، و الثالثة: تكون الظلمة فی قبره.»<sup>۲</sup>

هریک از زنان یا مردان ، اگر نماز را سبک بشمارد خداوند متعال او را به پانزده نوع کیفر گرفتار می کند ؛ که شش کیفر و بلا مربوط به دنیا ، سه نوع کیفر مربوط به هنگام مرگ ، سه نوع کیفر مربوط به هنگام ورود در قبر ، و سه نوع کیفر مربوط به زمانی است که از قبر خارج می گردد و قیامت برپا می شود ...اما آن سه کیفری که سبک شمارنده نماز در قبر گرفتارش می شود : ۱- خداوند متعال فرشته ای را مأمور می کند که در قبرش (تا قیامت ) حاضر شده و همواره بر سرش داد می زند و با عصبانیت با او برخورد می کند . ۲- در قبر بر سبک شمارنده نماز سخت گیری می شود و فشار قبرش سنگین و طولانی است . ۳- قبر سبک شمارنده نماز همواره در تاریکی مطلق است و هیچ گونه نصیبی از نور ندارد .

۱- علی محمد ، اسدی ، حیات برزخی ، مرکزانتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۱، ص ۳۵-۳۶ و جعفر ، سبحانی ، خدا و معاد ، ص ۹۸-۹۹

۲- میرزا احمد ، آشتیانی و شاگردان ، طرائف الحكم یاندرزهای ممتاز ، ۲جلد ، چاپ سوم ، تهران ، کتابخانه صدوق ، ۱۳۶۲، ج ۲، ص ۴۵۰

#### ۴-۱-۲- کوتاهی در تأمین خواسته مشروع از ارباب رجوع :

امام کاظم (علیه السلام) فرمود:

«مَنْ أَتَاهُ أَخُوهُ الْمُؤْمِنُ فِي حَاجَةٍ فَإِنَّمَا هِيَ رَحْمَةٌ مِنَ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى سَاقَهَا إِلَيْهِ فَإِنْ قَبِلَ ذَلِكَ فَقَدْ وَصَلَهُ بِوَلَايَتِنَا وَهُوَ مَوْصُولٌ بِوَلَايَةِ اللَّهِ تَبَارَكَ وَتَعَالَى وَإِنْ رَدَّهُ عَنْ حَاجَتِهِ وَهُوَ يَقْدِرُ عَلَى قَضَائِهَا سَلَطَ اللَّهُ تَبَارَكَ وَتَعَالَى عَلَيْهِ شُجَاعاً مِنْ نَارٍ يَنْهَشُهُ فِي قَبْرِهِ إِلَى يَوْمِ الْقِيَامَةِ مَغْفُوراً لَهُ أَوْ مُعَذَّباً»<sup>۱</sup>

کسی که برادر مؤمنش ، جهت رفع مشکلی به او رجوع کند ، او باید بداند که این رجوع یک رحمت الهی به سوی اوست که خدا به سویش فرستاده است . او اگر جهت برآورده ساختن آن حاجت اقدام کند ، به ولایت ما اتصال یافته که از این کانال به ولایت الهی توصل یافته است ؛ ولی اگر رد نماید در حالی که می تواند آن را برآورده سازد ، خدا در قبر او یک مار آتشین را بر او مسلط می سازد که تا روز قیامت وی را می ترساند .

#### ۴-۱-۳- سخن چینی و آتش افروزی

#### ۴-۱-۴- عدم رعایت نظافت و اجتناب از بول

#### ۴-۱-۵- عدم رسیدگی به اهل منزل :

امیر المؤمنین علی (علیه السلام) فرمود :

« فَعَذَابُ الْقَبْرِ يَكُونُ مِنَ النَّمِيمَةِ وَالْبَوْلِ - وَغَزَبِ الرَّجُلِ عَنْ أَهْلِهِ»<sup>۲</sup>

عذاب قبر در اثر سخن چینی ، (پرهیز نکردن از ترشحات) بول و کناره گیری مرد از همسرش ایجاد می شود .

#### ۴-۱-۶- شراب خواری :

#### ۴-۱-۷- بدخلقی نسبت به خانواده :

#### ۴-۱-۸- استفاده نادرست از نعمت های الهی و کفران نعمت:

#### ۴-۲- اسباب رهایی از عذاب قبر:

معصومین (علیهم السلام) ، این انوار هدایت که به حق از مصادیق بارز «لَقَدْ جَاءَكُمْ رَسُولٌ مِنْ أَنْفُسِكُمْ عَزِيزٌ عَلَيْهِ مَا عَنِتُّمْ حَرِيصٌ عَلَيْكُمْ بِالْمُؤْمِنِينَ رَؤُفٌ رَحِيمٌ»<sup>۳</sup> هستند ، در هدایت انسان به سوی کمال ، از هیچ کوششی دریغ نکردند . آنان بشر را به آن چه که مصالح و منافع او در اموردینی و دنیوی و اخروی اش اقتضا می کرد ، رهنمون شدند تا آن جا که گرفتاری و عذاب ها یا سرور و شادمانی های برزخی

<sup>۱</sup> - محمد باقر بن محمد تقی ، مجلسی، ج ۷۲، ص ۱۷۷

<sup>۲</sup> - همان ، ص ۲۶۳

<sup>۳</sup> -سوره توبه ،آیه ۱۲۵

انسان را نیز بیان کردند ؛ حتی اموری رایادآور شدند که از فشار قبر جلوگیری می کند که به برخی از آن ها اشاره می شود :

#### ۴-۲-۱- قرائت سوره نون والقلم:

امام صادق (علیه السلام) در روایتی می فرماید :

«من قرأ سورة نون والقلم في فريضة او نافلة آمنه الله عزوجل من ان يصيبه فقر ابدا و اعاده الله اذا مات من ضمة القبر»<sup>۱</sup>

کسی که سوره نون والقلم را در نماز واجب یا مستحب بخواند ، خدای عزوجل او را برای همیشه از فقر در امان می دارد و هنگامی که بمیرد ، او را در پناه خود از فشار قبر مصون می دارد .

#### ۴-۲-۲- نماز شب :

نماز شب یکی از اسباب دفع عذاب قبر است . امام رضا (علیه السلام) فرمود :

« عَلَيْكُمْ بِصَلَاةِ اللَّيْلِ فَمَا مِنْ عَبْدٍ مُؤْمِنٍ يَقُومُ آخِرَ اللَّيْلِ فَيُصَلِّيَ ثَمَانِيَةَ رَكَعَاتٍ وَ رَكَعَتِي الشَّفَعِ وَ رَكَعَةَ الْوُتْرِ وَ اسْتَغْفَرَ اللَّهَ فِي قُنُوتِهِ سَبْعِينَ مَرَّةً إِلَّا أُجِيرَ مِنْ عَذَابِ الْقَبْرِ وَ مِنْ عَذَابِ النَّارِ وَ مَدَّ لَهُ فِي عُمْرِهِ وَ وَسَّعَ عَلَيْهِ فِي مَعِيشَتِهِ ثُمَّ قَالَ إِنَّ الْبُيُوتَ الَّتِي يُصَلِّي فِيهَا اللَّيْلَ يَزْهَرُ نُورُهَا لِأَهْلِ السَّمَاءِ كَمَا يَزْهَرُ نُورُ الْكَوَاكِبِ لِأَهْلِ الْأَرْضِ»<sup>۲</sup>

بر شما باد به خواندن نماز شب . هر بنده ای هشت رکعت به عنوان نماز شب و دو رکعت به عنوان نماز شفع و یک رکعت نماز وتر را انجام دهد و در قنوت آن ، هفتاد بار استغفار کند ، از عذاب قبر مصون می ماند و در عمر او افزوده می گردد و در رزق و روزی اش وسعت پدید می آید . (و سپس افزود : ) خانه ای که در آن ، این نماز خوانده می شود ، در نظر اهل آسمان نورانی است ، همچنان که ستارگان در نظر اهل زمین منور هستند .

۱- محمدباقر بن محمد تقی ، مجلسی ، ج ۹۲ ص ۳۱۶

۲- نوری، حسین بن محمد تقی، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، ۲۸ جلد ، چاپ: اول، قم، ۱۴۰۸ق ج ۶ ، ص ۲۳۱-۲۳۲

۴-۲-۲-قرائت سوره یس:

۴-۲-۳-خواندن سوره نساء در روزهای جمعه :

۴-۲-۴-ادای نیکوی رکوع :

۴-۲-۶-حب اهل بیت علیهم السلام:

۴-۲-۷-فوت شدن در شب یا روز جمعه :

۴-۲-۸-زنانی که صبور باشند :

۴-۲-۹-اخلاق شایسته (اعمال نیک - صبر) :

### ۵-جایگاه ارواح مؤمنین و کافران :

همان گونه که پیش تر اشاره شد عالم برزخ و مثال ، جزئی از عالم ماده نیست تا مکان و محدوده داشته باشد ؛ بلکه عالم مثال ، در باطن و ملکوت همین دنیاست و نسبت به آن ، بسیار گسترده تر است .

«باید دانست که عالم برزخ ، از عالم دنیا به مراتب وسیع تر است ؛ زیرا مثال ، گسترده تر و بزرگتر از جسم مادی است .»

بنابر این ، وقتی به جایگاه ارواح اشاره می کنیم ، مراد ما جایگاه مادی و ظاهری آن ها نیست تا برای همه قابل رؤیت باشد ، بلکه منظور آن است که ارواح در قالب بدن های مثالی خود ، در باطن و ملکوت دنیا به حیات برزخی خویش ادامه می دهند تا روز رستاخیز برپا شود . مطابق آیات و روایات ، مؤمنان نیکوکار که به خوبی پرسش های دو فرشته الهی ، یعنی نکیر و منکر را پاسخ گفته اند ، وارد بهشت برزخی می شوند و کافران و منافقان که قادر به پاسخگویی به سؤال های فرشتگان الهی نیستند ، قبرشان عرصه عذاب الهی خواهد شد .<sup>۱</sup>

«الَّذِينَ تَتَوَفَّاهُمُ الْمَلَائِكَةُ طَيِّبِينَ يَقُولُونَ سَلَامٌ عَلَيْكُمْ ادْخُلُوا الْجَنَّةَ بِمَا كُنْتُمْ تَعْمَلُونَ»<sup>۲</sup>

همان ها که فرشتگان (مرگ) روحشان را می گیرند در حالی که پاک و پاکیزه اند ؛ به آنها می گویند : «سلام بر شما ! وارد بهشت شوید به خاطر اعمالی که انجام می دادید !»

«وَقَالَ الَّذِينَ لَا يَرْجُونَ لِقَاءَنَا لَوْ لَا أَنْزَلَ عَلَيْنَا الْمَلَائِكَةَ أَوْ نَرَى رَبَّنَا لَقَدِ اسْتَكْبَرُوا فِي أَنْفُسِهِمْ وَ عَتَوْا عُتُوًّا كَبِيرًا يَوْمَ يَرَوْنَ الْمَلَائِكَةَ لَا بُشْرَى يَوْمَئِذٍ لِلْمُجْرِمِينَ وَ يَقُولُونَ حِجْرًا مَحْجُورًا . وَ قَدِمْنَا إِلَى مَا عَمِلُوا مِنْ عَمَلٍ فَجَعَلْنَاهُ هَبَاءً مَنْثُورًا أَصْحَابُ الْجَنَّةِ يَوْمَئِذٍ خَيْرٌ مُسْتَقَرًّا وَ أَحْسَنُ مَقِيلًا»<sup>۳</sup>

و کسانی که امیدی به دیدار ما ندارند (و رستاخیز را انکار می کنند) گفتند : «چرا فرشتگان بر ما نازل نشدند و یا پروردگاران را با چشم خود نمی بینیم؟!» آنها درباره خود تکبر ورزیدند و طغیان بزرگی کردند !

<sup>۱</sup>-مصطفی ، آزادبان ، ص ۱۸۲ ، ص ۱۸۲

<sup>۲</sup>-نحل آیه ۳۲

<sup>۳</sup>-فرقان آیه ۲۱-۲۴

(آنها به آرزوی خود می‌رسند ، ) اما روزی که فرشتگان را می‌بینند ، روز بشارت برای مجرمان نخواهد بود (بلکه روز مجازات و کیفر آنان است) ! و می‌گویند: « ما را امان دهید ، ما را معاف دارید ! » (اما سودی ندارد) ! و ما به سراغ اعمالی که انجام داده‌اند می‌رویم ، و همه را همچون ذرات غبار پراکنده در هوا قرار می‌دهیم ! بهشتیان در آن روز قرارگاهشان از همه بهتر ، و استراحتگاهشان نیکوتر است !

بر همین اساس ، در برخی روایات آمده است که ارواح مؤمنان در وادی السلام نجف اشرف ، و ارواح کفار در برهوت یمن جمع می‌شوند . احمد بن عمر از امام صادق (علیه السلام) نقل می‌کند :

« قَالَ: قُلْتُ لَهُ إِنَّ أُخِي بَبْغَدَادَ وَ أَحَافُ أَنْ يَمُوتَ بِهَا فَقَالَ مَا تُبَالِي حَيْثُمَا مَاتَ أَمَا إِنَّهُ لَا يَبْقَى مُؤْمِنٌ فِي شَرْقِ الْأَرْضِ وَ غَرْبِهَا إِلَّا حَشَرَهُ اللَّهُ رُوحَهُ إِلَى وَادِي السَّلَامِ فَقُلْتُ لَهُ وَ أَيْنَ وَادِي السَّلَامِ قَالَ ظَهَرَ الْكُوفَةَ أَمَا إِنِّي كَانِي بِهِمْ حَلَقٌ حَلَقٌ قُعُودٌ يَتَحَدَّثُونَ<sup>۱</sup> »

به خدمت امام صادق (علیه السلام) عرض کردم : برادر من ، در بغداد است و می‌ترسم در آن جا بمیرد . حضرت فرمود : چه پروا داری ، هر جا خواهد بمیرد ! هیچ مؤمنی در مشرق و مغرب زمین باقی نمی‌ماند ، مگر آن که خدا روح او را در وادی السلام جمع می‌کند . عرض کردم : وادی السلام کجاست ؟ فرمود: در پشت کوفه ، و گویا می‌بینم ایشان را حلقه حلقه نشسته و با یکدیگر سخن می‌گویند .

## ۶- ویژگی های عالم برزخ :

### ۷-۱- محدود بودن عالم برزخ :

دانستیم که سرانجام روح آدمی پس از سپری کردن عمر دنیوی خود ، وارد عالمی دیگر به نام برزخ می‌شود ؛ ولی باید بدانیم که دوران برزخ هم مثل دنیا سپری خواهد شد و با تمام شدن آن قیامت فرا خواهد رسید ؛ یعنی شروع عالم برزخ از هنگام مرگ است و تا قیامت ادامه دارد.

خدای تعالی در آیه ای می‌فرماید :

« حَتَّىٰ إِذَا جَاءَ أَحَدَهُمُ الْمَوْتُ قَالَ رَبِّ ارْجِعُونِ . لَعَلِّي أَعْمَلُ صَالِحًا فِيمَا تَرَكْتُ كَلَّا إِنَّهَا كَلِمَةٌ هُوَ قَائِلُهَا وَ مِنْ وَرَائِهِمُ بَرْزَخٌ إِلَىٰ يَوْمِ يُبْعَثُونَ<sup>۲</sup> »

تا آنگاه که مرگ یکی از ایشان فرا رسد ، می‌گوید : «پروردگارا ، مرا بازگردانید ، شاید من در آنچه وانهاده‌ام کار نیکی انجام دهم . نه چنین است، این سخنی است که او گوینده آن است و پشاپیش آنان برزخی است تا روزی که برانگیخته خواهند شد .

۱- محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، ج ۶ ، ص ۲۶۸

۲- سوره مؤمنون، آیه ۱۰۰

اما پس از تحقق قیامت مؤمنان برای همیشه در بهشت و کافران تا ابد در جهنم خواهند بود . قرآن در مورد بهشت قیامت تعبیر « جنة الخلد » را به کار برده است :

«قُلْ أُولَئِكَ خَيْرٌ أَمْ جَنَّةُ الْخُلْدِ الَّتِي وَعِدَ الْمُتَّقُونَ كَانَتْ لَهُمْ جَزَاءً وَ مَصِيرًا<sup>۱</sup>»

(ای پیامبر!) بگو : «آیا این بهتر است یا بهشت جاویدانی که به پرهیزگاران وعده داده شده؟! بهشتی که پاداش اعمال آنها ، و قرارگاهشان است .

و از عذاب جهنم نیز با تعبیر «عذاب الخلد» یعنی عذاب جاویدان یاد کرده :

«فَذُوقُوا بِمَا نَسِيتُمْ لِقَاءَ يَوْمِكُمْ هَذَا إِنَّا نَسِينَاكُمْ وَ ذُوقُوا عَذَابَ الْخُلْدِ بِمَا كُنتُمْ تَعْمَلُونَ<sup>۲</sup>»

(و به آنها می گویم:) بچشید (عذاب جهنم را) ! بخاطر اینکه دیدار امروزتان را فراموش کردید ، ما نیز شما را فراموش کردیم ؛ و بچشید عذاب جاودان را به خاطر اعمالی که انجام می دادید !

روایاتی نیز محدود بودن برزخ را روشن می کنند :

«عَنْ أَبِي بَصِيرٍ قَالَ قَالَ أَبُو عَبْدِ اللَّهِ عَلَيْهِ السَّلَامُ إِنَّ أَرْوَاحَ الْمُؤْمِنِينَ لَفِي شَجَرَةٍ مِنَ الْجَنَّةِ يَأْكُلُونَ مِنْ طَعَامِهَا وَ يَشْرَبُونَ مِنْ شَرَابِهَا وَ يَقُولُونَ رَبَّنَا أَقِمِ السَّاعَةَ لَنَا وَ أَنْجِزْ لَنَا مَا وَعَدْتَنَا وَ الْحَقُّ آخِرَنَا بِأَوْلَانَا<sup>۳</sup>»

ارواح مؤمنان بر درختی از بهشت قرار دارند که از طعام آن تناول می کنند و از نوشیدنی آن می نوشند و می گویند : پروردگارا قیامت را برای ما برپا دار و آن چه را که به ما وعده دادی ، وفا نما و ما را به گذشتگانمان از پیامبران و اوصیا و صالحان ملحق فرما .

در هر حال روایت گویای این حقیقت است که مؤمنان در برزخ برپایی قیامت را می طلبند تا به خواسته هایشان برسند ؛ پس معلوم می شود برزخ جایگاه همیشگی آنان نیست و فقط تا قیامت ادامه دارد . به عکس ارواح کفار و مشرکان آرزوی آن را دارند که مبادا قیامت تحقق یابد و حالشان از برزخ بدتر شود و از خدا درخواست می کنند تا قیامت را تحقق نبخشد .<sup>۴</sup>

۱- سوره غافر ، آیه ۱۵

۲- سوره سجده ، آیه ۱۴

۳- محمدبن یعقوب ، کلینی ، الکافی ، ۸ جلد ، چاپ: چهارم ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ج ۳ ، ص ۲۳۸

۴- مهدی ، فر بودی ، ص ۳۳

## ۶-۲- عدم احساس گذر زمان در برزخ :

## ۶-۳- امکان افزایش نعمت یا عذاب برزخی :

## ۶-۴- وجود صبح و شام در برزخ :

آیا عالم برزخ هم مانند عالم دنیا روز و شب دارد ؟ اگر چنین است ، کیفیت آن چگونه است ؟ آیا همانند صبح و شب دنیوی است ؟

آری ، بعضی از آیات دلالت می کنند که برزخ هم دارای صبح و شام است :

«التَّارُ يُعْرَضُونَ عَلَيْهَا غُدُوًّا وَعَشِيًّا وَ يَوْمَ تَقُومُ السَّاعَةُ أَدْخِلُوا آلَ فِرْعَوْنَ أَشَدَّ الْعَذَابِ»<sup>۱</sup>

[اینک هر] صبح و شام بر آتش عرضه می شوند ، و روزی که رستاخیز برپا شود [فریاد می رسد که : «فرعونیان را در سخت ترین [انواع] عذاب در آورید.»

این آیه شریفه با صراحت از وجود صبح و شام برزخی سخن می گوید ؛ اما چگونگی صبح و شام و یا مدت طول روز و شب آن با دنیا متفاوت می باشد .

## ۶-۵- مرگ در برزخ :

روشن است که مردن در دنیا ، به معنای خروج نفس و انتقال آن به عالم برزخ است . آیا در عالم برزخ هم مانند دنیا مرگ وجود دارد ؟ یا ارواح بدون این که مرگی عارضشان گردد ، به صحنه قیامت وارد می شوند ؟ ممکن است برای اثبات ادعای وجود مرگ در عالم برزخ به برخی آیات قرآنی تمسک کرد .

«إِنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا يُنَادُونَ لَمَقَّتْ لَ اللَّهِ أَكْبَرُ مِنْ مَقْتِكُمْ أَنْفُسِكُمْ إِذْ تُدْعَوْنَ إِلَى الْإِيمَانِ فَتَكْفُرُونَ قَالُوا رَبَّنَا أَمَتْنَا اثْنَتَيْنِ وَ أَحْيَيْنَا اثْنَتَيْنِ فَاعْتَرَفْنَا بِذُنُوبِنَا فَهَلْ إِلَى خُرُوجٍ مِنْ سَبِيلٍ»<sup>۲</sup>

کسانی را که کافر شدند روز قیامت صدا می زنند که عداوت و خشم خداوند نسبت به شما از عداوت و خشم خودتان نسبت به خودتان بیشتر است ، چرا که بسوی ایمان دعوت می شدید ، ولی انکار می کردید ! آنها می گویند : «پروردگارا ! ما را دو بار میراندی و دو بار زنده کردی ؛ اکنون به گناهان خود معترفیم ؛ آیا راهی برای خارج شدن (از دوزخ) وجود دارد؟»

۱- سوره غافر ، آیه ۴۶-۴۷

۲- سوره غافر ، آیه ۱۰-۱۱



از آیه فوق استفاده می شود کفار پس از آن که قدرت لا یزال الهی را با تمام وجود درک کردند و به روز حساب و وجود کیفر سخت الهی یقین نمودند ، به کردار زشت خود اعتراف کرده و در پی آن خروج از آتش را در خواست می کنند .

## ۶-۶-۱- ارتقای درجه در برزخ :

### ۷- تجسم اعمال :

یکی از مسائل مهم اخروی ، مسأله تجسم اعمال است ؛ یعنی اعمالی را که انسان در دنیا انجام داده ، در برزخ یا صحنه قیامت شکلی متناسب به خود را پیدا کرده و نه تنها قابل مشاهده می گردد بلکه انیس و مونس همیشگی انسان خواهد شد و انسان می تواند قیافه زشت و عذاب آور « دروغ » و « غیبت » و « آزار به دیگران » و کارهای ناپسند را ببیند و از دیدن آن عذاب بکشد ، چنان که از دیدن کارهای خیر و اعمال صالح لذت برده و شادمان می گردد .<sup>۱</sup>

آیات قرآن ، گاهی با اشاره و گاهی با صراحت تشکل و تجسم صور دنیوی اعمال را پس از مرگ مطرح می کند و آن را امری مسلم و قابل توجه می داند به طوری که آن را جسم خارجی (رقیق یا دارای حجم و وزن محسوس ) و قابل رؤیت و دیدن می شمارد .<sup>۲</sup>

آیات ذیل چند آیه از صدها آیات قرآنی است که آن را اثبات می کند و به انسان هشدار می دهد که محاسبه و بررسی اعمال انسان ها و چگونگی پاداش بر آن اساس خواهد بود و چه بسا خود آن اعمال انجام شده ، پاداش نیکوکار و یا افراد زشت کار گردد .

«يَوْمَ تَجِدُ كُلُّ نَفْسٍ مَا عَمِلَتْ مِنْ خَيْرٍ مُّحْضَرًا وَمَا عَمِلَتْ مِنْ سُوءٍ تَوَدُّ لَوْ أَنَّ بَيْنَهَا وَبَيْنَهُ أَمَدًا بَعِيدًا وَ يَحْذَرُكُمُ اللَّهُ نَفْسَهُ وَ اللَّهُ رَؤُفٌ بِالْعِبَادِ»<sup>۳</sup>

روزی که هر کس ، آنچه را از کار نیک انجام داده ، حاضر می بیند ؛ و آرزو می کند میان او ، و آنچه از اعمال بد انجام داده ، فاصله زمانی زیادی باشد . خداوند شما را از ( نافرمانی ) خودش ، بر حذر می دارد ؛ و ( در عین حال ، ) خدا نسبت به همه بندگان ، مهربان است .

«إِنَّ الَّذِينَ يَأْكُلُونَ أَمْوَالَ الْيَتَامَى ظُلْمًا إِنَّمَا يَأْكُلُونَ فِي بُطُونِهِمْ نَارًا وَ سَيَصْلُونَ سَعِيرًا»<sup>۴</sup>

۱- مهدی ، فرمودی ، ص ۵۹

۲- احمد ، زمانی ، حقایق پس از مرگ ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری مشعر ، ۱۳۹۱ ص ۶۸

۳- سوره آل عمران ، آیه ۳۰

۴- سوره نساء ، آیه ۱۰

کسانی که اموال یتیمان را به ظلم و ستم می‌خورند ، (در حقیقت ، ) تنها آتش می‌خورند ؛ و به زودی در شعله‌های آتش (دوزخ) می‌سوزند .

«يا بُنَيَّ إِنَّهَا إِنْ تَكُ مِثْقَالَ حَبَّةٍ مِنْ خَرْدَلٍ فَتَكُنْ فِي صَخْرَةٍ أَوْ فِي السَّمَاوَاتِ أَوْ فِي الْأَرْضِ يَأْتِ بِهَا اللَّهُ إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ»<sup>۱</sup>

پسرم ! اگر به اندازه سنگینی دانه خردلی (کار نیک یا بد) باشد ، و در دل سنگی یا در (گوشه‌ای از) آسمانها و زمین قرار گیرد ، خداوند آن را (در قیامت برای حساب) می‌آورد ؛ خداوند دقیق و آگاه است !

نه تنها شکل گیری اعمال و کردار دنیوی انسان در آیات کریمه قرآن مطرح شده و برای آن کیفیت و کمیت قائل است و چگونگی حضور در نشئه آخرت را بیان می‌دارد ، بلکه روایات فراوانی نیز آن را به صورتی روشن تشریح کرده است .

رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم ) با جماعتی ازقبیله «بنی تمیم» مشغول صحبت بودند . در آن میان قیس بن عاصم (صحابی مشهور ) همراه حضرت بود . رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم ) رو به قیس کرد و نسبت به نتایج اعمال نیک و بد در عالم برزخ و آخرت فرمود :

«انّ مع العزّ ذلّاً و انّ مع الحيوة موتاً و انّ مع الدنيا آخرة و انّ لكلّ شيء حسيباً و على كل شيء رقيباً و انّ لكلّ حسنة ثواباً و لكلّ سيئة عقاباً و انه لا بدّ لك يا قيس من قرين يدفن معك و هو حيّ و تدفن معه و انت ميّت فان كان كريماً اكرمك و ان كان لئيماً اسلمك ثمّ لا تدفن آلا معه و لا يدفن الا معك فلا تجعله آلا صالحاً لانه اذا كان صالحاً لا يؤنسك آلا هو و ان كان فاحشاً لا يوحشك الا هو»<sup>۲</sup>

ای قیس هر عزّتی را ذلّتی است و با زندگی دنیا مرگ هست و با دنیا آخرت هست و برای هر چیز حساب‌کننده هست و بر هر چیز حافظ و مراقبی هست و برای هر خوبی ثوابی و برای هر بدی عذابی می‌باشد و به تحقیق ای قیس تو ناچار باید رفیق و دوستی از اعمال و کردار داشته باشی و او با تو در قبر تو دفن می‌شود در حالی که زنده است و تو با او دفن می‌شوی و حال آن که مرده‌ای. پس اگر آن رفیق تو با کرامت و بزرگواری باشد تو را گرمی می‌دارد و اگر لئیم و پست باشد تو را وامی‌گذارد و نفعی برای تو نخواهد داشت. پس تو با او بی و او نیز با تو و ملازم یک دیگر خواهید بود. پس او را قرار نده مگر صالح، زیرا اگر صالح باشد مونس تو غیر او نیست. و اگر از نظر شرع مقدّس اسلام زشت و ناپسند باشد تو را به ترس و وحشت نمی‌اندازد مگر او.

<sup>۱</sup> - سوره لقمان ، آیه ۱۶

<sup>۲</sup> - حسن بن محمد ، دیلمی، ارشاد القلوب ، ترجمه رضایی ، چاپ: سوم، تهران، ۱۳۷۷ش.ص ۱۴۷

حاصل مطلب این که اخبار متواتر بر تجسم اعمال دلالت دارد . البته مسئله تجسم اعمال به همان گونه ای قبول است که قرآن و روایات معرفی کرده اند . دیدگاه های افراطی که تمام جهان برزخ ، قیامت ، ملائک و فرشتگان عذاب و ثواب را ، تنها بازتاب و تجسم همین اعمال می دانند ؛ اشتباه است .<sup>۱</sup>

یکی از بحث های بسیار جالب و مفید مربوط به عالم آخرت بحث روابطی است که انسان ها پس از مرگ دارند . ارتباط اموات با خودشان در عالم برزخ چگونه است ؟ آیا اموات می توانند با زنده ها ، مثلا با خویشان و آشنایان خودشان دیدار داشته باشند و به آن ها سر بزنند ؟ آیا هدیه ها و خیرات ما به آن ها می رسد ؟ نظیر این سؤالات اقتضا می کند که بحث مفصلی در این رابطه داشته باشیم بنابر این بحث خود را در سه بخش مطرح می کنیم :

۱- ارتباط اموات با یکدیگر در عالم برزخ

۲- ارتباط اموات با عالم دنیا و زنده ها

۳- ارتباط زنده ها با اموات

## ۱- ارتباط اموات با یکدیگر :

شاید ابتدا به ذهن افراد نا آشنای به روایات خطور کند که هرکس پس از مرگ ، در عالمی به نام برزخ به سر می برد و در آن جا هیچ گونه اطلاعی از سایر برزخیان (دوستان و غیر دوستان ) ندارد ؛ بلکه در عالم بی خبری نگه داری می شود تا قیامت برپا شود ؛ ولی بر خلاف چنین ادعایی از روایات معصومین (علیهم السلام ) استفاده می شود که آنان در عالم برزخ یکدیگر را می شناسند و به دیدار یکدیگر نیز می روند .<sup>۲</sup>

در عالم آخرت هرکسی فقط میهمان خود و میهمان اعمال و صفات و عقایدش هست . دیگر نظام اجتماعی برچیده می شود و آن گونه نیست که نیازهایشان را با هم تأمین کنند . منتهی در بهشت برزخی ملاقات با هم و در کنار هم بودن که خودش برای مؤمنین نوعی لذت و بلکه از بهترین لذت هاست برقرار است .

پس از مرگ ، ملاقات با روح اموات دیگر تنها به اجازه خداوند بوده و ممکن است گاه گاهی این امر صورت بگیرد و یا ارواح بعضی افراد به طور دائم با هم باشند .

در این زمینه باید توجه داشت که بودن با نزدیکان و عزیزان خود بستگی به اعمال و رفتار فرد و تقوا و پرهیزگاری او دارد . اگر اعمالشان با هم مشابه باشد ، ممکن است راحت تر همدیگر را ببینند . ولی اگر فردی به علت اعمال نیکش در بهشت باشد و یکی از نزدیکان او خدایی نکرده به خاطر گناهایی که مرتکب شده است ، در بهشت نباشد چگونه می تواند او را در کنار خود داشته باشد ؟ البته اگر فرد دارای مقامات

<sup>۱</sup> - رحیم ، لطیفی ، عالم برزخ ، چاپ اول ، قم ، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ، ۱۳۸۸ ، ص ۱۹۸-۲۰۱

<sup>۲</sup> - علی محمد ، قاسمی ، ص ۲۵۶

بسیار بلندی باشد با درخواست از خداوند ، به لطف و کرم او ممکن است بتواند با شفاعت او را ملاقات نماید .

۱

امام صادق (علیه السلام) در رابطه با دیدارهای برزخی فرموده اند :

« إِنَّ الْأَرْوَاحَ فِي صِفَةِ الْأَجْسَادِ فِي شَجَرَةٍ فِي الْجَنَّةِ تَعَارَفُ وَتَسْأَلُ فَإِذَا قَدِمَتِ الرُّوحُ عَلَى الْأَرْوَاحِ يَقُولُ دَعُوها فَإِنَّها قَدْ أَفَلَّتْ مِنْ هَوْلٍ عَظِيمٍ ثُمَّ يَسْأَلُونَهَا مَا فَعَلَ فَلَانٌ وَ مَا فَعَلَ فَلَانٌ فَإِنْ قَالَتْ لَهُمْ تَرَكْتُهُ حَيًّا ارْتَجَوْهُ وَإِنْ قَالَتْ لَهُمْ قَدْ هَلَكَ قَالُوا قَدْ هَوَى هَوَى»<sup>۲</sup>

در بهشت ، روح ها به شکل بدن ها در درختی قرار دارند که یک دیگر را می شناسند و از یک دیگر سؤال می کنند و با هم گفت و گو دارند. وقتی یکی از افراد دنیا می میرد و به عالم برزخ می آید ، برزخی ها به هم می گویند : فعلا او را رها کنید که خسته است و تازه از هول و وحشت بزرگی خلاص شده . بگذارید استراحتی بکند . پس از مدتی برزخی ها به ملاقات این تازه وارد می آیند و از احوال آنها می پرسند که در دنیا می شناختند و با آنان سابقه آشنایی داشتند می پرسند فلانی چطور است؟ از فلانی چه خبر؟ اگر بگوید : آنها هنوز زنده هستند و در دنیا زندگی می کنند ، امیدوار می شوند که آنها هم به همین بهشت بیایند . ولی اگر در پاسخ بگوید : فلانی قبل از من مرد ، می گویند : حتما سقوط کرد و به جهنم برزخی افتاد .

در این روایت از ملاقات های مؤمنین در بهشت برزخی خبر می دهد که این ملاقات ها از بهترین لذت ها برای اهل بهشت است و آنجا از نورانیت و صفای هم لذت می برند و معرفت آنها نیز در این ملاقات ها اضافه می شود . این طور نیست که دیدن بهشتی ها فقط یک برخورد معمولی و صرفا برای بیرون آمدن از تنهایی باشد ، بلکه برای بهره بردن و رشد معرفتی است . در قرآن آمده است : «فَاقْبَلْ بَعْضَهُمْ عَلَى بَعْضٍ يَتَسَاءَلُونَ»<sup>۳</sup> یعنی بهشتی ها پیش هم می روند و از هم سؤال می کنند .

## ۲- ارتباط با برزخیان :

آیا انسان پس از کوچ از دنیا و ورود به عالم برزخ می تواند با بازماندگان - به طور کلی کسانی که در دنیا هستند - ارتباط برقرار کند یا به محض آمدن مرگ ، همه ارتباطات قطع می شود و نه تنها زندگان از اوضاع و احوال برزخیان کوچک ترین اطلاعی ندارند ، بلکه برزخیان هم در آرزوی دریافت اطلاعاتی از بستگان و برادران مؤمن خود در دنیا به سر می برند ؟

از بعضی از آیات و روایات می توان وجود ارتباط بین برزخیان و اهل دنیا را استفاده کرد :

« وَ لَا تَحْسَبَنَّ الَّذِينَ قُتِلُوا فِي سَبِيلِ اللَّهِ أَمْواتاً بَلْ أَحْيَاءٌ عِنْدَ رَبِّهِمْ يُرْزَقُونَ . فَرِحِينَ بِمَا آتَاهُمُ اللَّهُ مِنْ فَضْلِهِ وَ يَسْتَبْشِرُونَ بِالَّذِينَ لَمْ يَلْحَقُوا بِهِمْ مِنْ خَلْفِهِمْ أَلَّا خَوْفٌ عَلَيْهِمْ وَ لَا هُمْ يَحْزَنُونَ »<sup>۴</sup>

۱- حسین ، احمدی و دیگران ، پرسمان دینی ، سیاسی و اجتماعی دانش آموزان ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات تزکیه ، ۱۳۸۸، ص ۹۲-۹۳

۲- محمدبن یعقوب ، کلینی ، ج ۳ ، ص ۲۴۴

۳- سوره صافات ، آیه ۵۰

۴- سوره آل عمران ، آیات ۱۶۹-۱۷۰

هرگز کسانی را که در راه خدا کشته شده‌اند، مرده مپندار، بلکه زنده‌اند که نزد پروردگارشان روزی داده می‌شوند. به آنچه خدا از فضل خود به آنان داده است شادمانند، و برای کسانی که از پی ایشانند و هنوز به آنان نپیوسته‌اند شادی می‌کنند که نه بیمی بر ایشان است و نه اندوهگین می‌شوند.

در مورد معنای عبارت «**و یستبشرون بالذین...**» سه احتمال وجود دارد :

- ۱- «**یستبشرون**» به معنای فرح و شادمانی باشد .
- ۲- «**یستبشرون**» به معنای «**یبشرون**» (مژده دادن) باشد .
- ۳- «**یستبشرون**» به معنای «**طلب سرور و شادمانی**» باشد ؛ همان طور که مرحوم طبرسی در مجمع البیان می گوید : «...والمستبشر من طلب السرور فی البشارة فوجده»<sup>۱</sup> طبق این احتمال آیه شریفه بیان می کند شهدا در عالم برزخ تمایل دارند اخبار مسرت انگیزی از دوستان و برادران دینی خود که در دنیا هستند ، دریافت کنند تا بدانند که آنان سعادت‌مندانند و هیچ خوف و حزنی ندارند .

مرحوم علامه در این زمینه می گوید : از این آیه شریفه استفاده می شود که اخبار مربوط به احوال مؤمنان باقی مانده در دنیا ، به آنان (شهدا) می رسد .<sup>۲</sup>

طبق هرکدام از احتمالات معنای آیه شریفه یک نحوه ارتباطی بین برزخیان و مؤمنان باقی مانده در دنیا را می رساند.

روایات فراوانی نیز بر وجود ارتباط بین برزخیان و زندگان در دنیا دلالت می کند:

همه روایاتی که دستور می دهند که به زیارت بروید یا بر پیامبران و ائمه معصومین (علیهم السلام) و حتی امام زادگان درود بفرستید ، خود گواه روشنی بر وجود چنین ارتباطی است ؛ چرا که اگر آن بزرگواران کلام و سلام انسان ها را نشنوند ، چنین سلام و درودی لغو خواهد بود .

در روایتی از پیامبر (صلی الله علیه و آله وسلم) آمده است :

«**من صلی علی عند قبری سمعته و من صلی علی من بعید بلغته**»<sup>۳</sup>

کسی که نزد قبرم بر من درود بفرستد، آن را می شنوم و کسی که از دور بر من درود بفرستد ، به من خواهد رسید .

در پرتو همین ارتباطات است که کرامت هایی از جانب آن بزرگواران (مانند شفا دادن به مریضان و برآورده شدن حاجات مؤمنان) صورت می گیرد . اگر امکان ارتباط نبود ، چنین اموری هم تحقق نمی یافت .

<sup>۱</sup>- فضل بن حسن ، طبرسی ، ج ۱ و ۲ ، ترجمه تفسیر مجمع البیان ، ۲۷ جلد ، چاپ: اول ، تهران ، انتشارات فراهانی ، بی تا ، ص ۸۸۳

<sup>۲</sup>- طباطبایی ، محمدحسین ، ج ۲ ، ص ۶۲

<sup>۳</sup>- محمدباقر بن محمد تقی ، مجلسی ، ج ۶ ص ۲۵۴

از آن چه گذشت امکان ارتباط برزخیان با زندگان در دنیا به خوبی روشن شد .

## ۱-۲-۱-۲ راه های ارتباط با برزخ نشینان :

ارتباط با برزخ نشینان دارای تجلیات مختلفی است ، از جمله :

### ۲-۱-۱-۱-۲ انجام عمل صالح به نیابت از اموات :

یکی از تفضلات و لطف های الهی به انسان ، همین است که پس از مرگ هم رابطه متوفی با دنیا به گونه های مختلف برقرار است و کاملاً قطع نمی گردد و پرونده اعمال به طور کلی بسته نمی شود ، بلکه از یک راه هایی اعمال خیر به میت می رسد و تأثیر مثبت خود را در زندگی آخرتی او می گذارد .

این تأثیر مثبت می تواند موجب رشد و بالا رفتن درجه و مرتبه و مقام شخص در بهشت برزخی و ایجاد توسعه و رفاه در زندگی آخرتی و به صورت کمک های آخرتی باشد و یا حداقل اگر میت از اهل عذاب است ، موجب تخفیف عذاب برای او باشد<sup>۱</sup> .

امام صادق (علیه السلام) می فرماید :

« إِنَّ الْمَيِّتَ لَيَفْرَحُ بِالتَّرَحُّمِ عَلَيْهِ وَ الْإِسْتِغْفَارِ لَهُ كَمَا يَفْرَحُ الْحَيُّ بِالْهَدِيَّةِ تُهْدَى إِلَيْهِ<sup>۲</sup> »

همان گونه که زنده ها ، با هدایا شاد می شوند ، اهل قبر و برزخیان نیز با ترحم و استغفاری که درباره آنان می شود ، شاد می گردند .

در نتیجه انجام عمل صالح و هدیه آن به اموات نوعی ارتباط با برزخ نشینان است . بسیاری از برزخ نشینان منتظرند تا بازماندگانشان از آنان یادی کنند و عمل خیری را به نیابت از آنان انجام دهند .

### ۲-۱-۲-۲ زیارت قبور :

ارتباط روح با قبر خاکی ، موجب می شود که بتوان از این طریق ، بهتر با روح رابطه برقرار کرد و نیز توجه او را جلب نمود . بدین جهت در روایات ، تأکید فراوانی بر زیارت قبور ، دعا ، طلب رحمت و مغفرت و تلاوت قرآن کریم بر سر قبرها شده است . این آداب در هرجایی ، برای مردگان خوب است ؛ ولی به دلیل ارتباط قبر برزخی با قبر خاکی ، بر انجام دادن این آداب بر سر قبرها ، تأکید بیشتری شده و از استحباب بیشتری برخوردار است<sup>۳</sup> .

۱- مسعود ، عالی ، ص ۶۱-۶۲

۲- ابن بابویه، محمد بن علی، من لا یحضره الفقیه، ۴ جلد، قم، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم، ۱۴۱۳ق ج ۱ ص

دیدار میت از بازماندگان خود و دیدار بازماندگان از قبر میت خود ، یک مسئله تأثیر گذار است و درباب زیارت اهل قبور احادیث بسیاری آمده است .

امام رضا (علیه السلام ) فرمود :

«ما من عبد زار قبر مؤمن فقراً علیه إنا أنزلناه في ليلة القدر سبع مرّات إلّا غفر الله له و لصاحب القبر»<sup>۱</sup>.

هیچ بنده خدایی قبر آدم با ایمانی را زیارت نکرده و سوره قدر را نخوانده است ، مگر آن که خدا او و صاحب آن قبر را مورد رحمت و مغفرت خود قرار داده است .

هم چنین رسول خدا (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود:

«من زار قبر أبویه أو أحدهما في كلّ جمعة غفر له و كتب عند الله باراً»<sup>۲</sup>.

کسی که قبر پدر و مادر یا یکی از آن دو را در هر شب جمعه زیارت کند ، بخشیده می شود و در نزد خدا نیکوکار ثبت می شود .

بنابراین زیارت قبور یکی از راه های ارتباط با اموات است ، آنان به ما به ویژه که به مزار آن ها قدم نهیم ، توجه داشته و به حضور ما اشراف داشته ، از این دیدار خشنود می گردند . اما مهمترین اثر دنیوی زیارت اهل قبور برای انسان ، تذکر مرگ و یادآوری این رخداد مهم است .

## ۲-۱-۳- ارتباط با برزخ نشینان در بیداری :

قرآن کریم مردگان را زنده می داند و با آنان برخوردی مانند زندگان دارد و در این رابطه زیارت قبور و سلام دادن به اموات را جایز می شمارد و آیاتی چون :

«سَلَامٌ عَلٰی نُوحٍ فِي الْعَالَمِيْنَ»<sup>۳</sup>

«سَلَامٌ عَلٰی اِبْرَاهِيْمَ»<sup>۴</sup>

«سَلَامٌ عَلٰی مُوسٰى وَ هَارُونَ»<sup>۵</sup>

<sup>۱</sup>- محمد بن شاه مرتضی ، فیض کاشانی، المحجة البيضاء فی تهذیب الإحياء ، ۸ جلد ، چاپ: چهارم ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم ، ۱۳۷۶ ج ۸ ، ص ۲۹۰

<sup>۲</sup>همان

<sup>۳</sup>- سوره صافات ، آیه ۷۹

<sup>۴</sup>- همان ، ۱۰۹

<sup>۵</sup>همان ، آیه ۱۲۰

درباره این موضوع به ذکر این داستان می پردازیم :

ارتباط با ارواح گذشته ، از مسائلی است که در زمان ما کمتر کسی به آن با دیده تردید می نگرد و این مسئله تقریباً یکی از مسائل بدیهی روزگار ما است .

« وَ رُوِيَ عَنِ النَّبِيِّ صَلَّى اللَّهُ عَلَيْهِ وَ آلِهِ وَ سَلَّمَ أَنَّهُ وَقَفَ عَلَى قَلْبِ بَدْرِ فَقَالَ لِلْمُشْرِكِينَ الَّذِينَ قُتِلُوا يَوْمَئِذٍ وَ قَدْ أَلْقُوا فِي الْقَلْبِ لَقَدْ كُنْتُمْ جِيرَانَ سَوْءٍ لِرَسُولِ اللَّهِ صَ أَخْرَجِي تَمُوهُ مِنْ مَنْزِلِهِ وَ طَرَدِي تَمُوهُ ثُمَّ اجْتَمَعْتُمْ عَلَيْهِ فَحَارَبْتُمُوهُ فَقَدْ وَجَدْتُ مَا وَعَدَنِي رَبِّي حَقًّا فَقَالَ لَهُ عُمَرُ يَا رَسُولَ اللَّهِ مَا خِطَابُكَ لَهُمْ قَدْ صَدَيْتُ فَقَالَ لَهُ مَهْ يَا ابْنَ الْخَطَابِ فَوَ اللَّهُ مَا أَنْتَ بِأَسْمَعَ مِنْهُمْ وَ مَا بَيْنَهُمْ وَ بَيْنَ أَنْ تَأْخُذَهُمُ الْمَلَائِكَةُ بِمَقَامِعِ الْحَدِيدِ إِلَّا أَنْ أُعْرِضَ بِوَجْهِهِ هَكَذَا عَنْهُمْ: <sup>۱</sup>»

پس از پایان جنگ بدر ، که جسد برخی از کفار مقتول را در چاهی ریخته بودند ، پیامبر(صلی الله علیه و آله و سلم) در کنار آن چاه به کشته شدگان خطاب کرد و فرمود : شما ای کفار ! همسایگان بدی بودید ، پیامبر خدا را از خانه خویش راندید و در دشمنی و جنگ با او هم داستان و همدست شدید ، من وعده پروردگار خویش را صادق دیدم ، آیا شما نیز وعده الهی را حق یافتید ؟ عمر که این سخنان را می شنید ، عرض کرد : ای پیامبر خدا ! اینان که بدن هایی بی جان بیش نیستند ، چگونه با آن ها سخن می گوئید؟ پیامبر (صلی الله علیه و آله و سلم) فرمود : ساکت شو ! به خدا قسم ! تو شنواتر از آنان نیستی الان همین که من از کنارشان برخیزم ، فرشتگان عذاب با گرزهای آتشین بر فرق سر اینان می کوبند .

## ۲-۱-۴-ارتباط با برزخ نشینان از طریق رؤیا :

اشاره شد که ارتباط با برزخ نشینان امر محال نیست . این ارتباط گاهی در بیداری انجام می پذیرد و گاهی از طریق رؤیا ، گرچه رؤیا به نوبه خود ، دارای انواعی است ؛ لکن رژیای صادق و شبیه صادق را نمی توان انکار کرد .

## ۲-۱-۴-۱-رؤیای فرزند محدث قمی (رحمة الله علیه) :

پسر محدث قمی (رحمة الله علیه) (صاحب مفاتیح الجنان) که یکی از علما و ائمه جماعات تهران بود و بدرود حیات گفته ، نقل می کرد : شبی پدر خود را در عالم رؤیا دیدار کردم که به من فرمود : فلان کتاب که در فلان قسمت کتاب خانه جای دارد ، از آن فلان شخص است ، به او برسان که من به خاطر آن در برزخ ناراحت هستم . وقتی از خواب برخاستم ، طبق رؤیای خود کتاب را یافتم و آن را روی میز خود نهادم تا به صاحبش برسانم ؛ ولی کودکان با آن بازی کرده ، قسمتی از آن را معیوب کردند ، خلاصه کتاب را به صاحب آن تحویل دادم . شب بعد ، پدرم را در عالم رؤیا دیدار کردم ، به من فرمود : کتاب را به صاحبش تحویل دادی ؟ ! پاسخ دادم : آری ، پدرم فرمود : البته تحویل دادی ولی پس از معیوب کردن آن <sup>۲</sup>.

<sup>۱</sup> محمد باقر بن محمد تقی، مجلسی، ج ۶ ، ص ۲۵۵  
<sup>۲</sup> همان ، ص ۱۹۱-۱۹۲



## نتیجه گیری :

یاد مرگ ، تأثیر مهم و سرنوشت سازی در آدمی دارد ؛ آن کس که به زندگی پس از مرگ می اندیشد ، برای زندگی در عالم دیگر مهیا می گردد و توشه آن سوی را در دنیا فراهم می آورد . نسبت به دیگران بسیار مهربان ، خیرخواه و اهل دستگیری است . به عبادت و اخلاقیات خود اهتمام می ورزد .

بحث از قبر و برزخ ، جالب ، همگانی ، سرنوشت ساز و دارای آثار تربیتی مهمی است ؛ از این رو باید توده های مختلف مردم در کنار تعمیق معارف دینی خود به این مسئله مهم نیز توجه لازم را مبذول داشته و از آن غفلت نورزند .

## فهرست منابع

✽ قرآن کریم

### منابع فارسی :

- ۱- آشتیانی و شاگردان، میرزا احمد ، طرائف الحکم یا اندرزهای ممتاز، ۲ جلد ، چاپ سوم ، تهران ، کتابخانه صدوق ، ۱۳۶۲
- ۲- احمدی و دیگران ، حسین ، پرسمان دینی ، سیاسی و اجتماعی دانش آموزان ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات تزکیه ، ۱۳۸۸
- ۳- اسدی ، علی محمد ، حیات برزخی ، مرکز انتشارات دفتر تبلیغات اسلامی ، ۱۳۶۱
- ۴- دستغیب شیرازی ، عبدالحسین ، ۱۰۰۰ سؤال ، تنظیم و تصحیح و مقدمه محمد هاشم دستغیب ، انتشارات ناس ، ۱۳۷۱
- ۵- - ، - ، معاد ، چاپ دوم ، مشهد ، انتشارات مهر نورا ، ۱۳۸۶
- ۶- دیلمی، حسن بن محمد ، إرشاد القلوب ، ترجمه رضایی ، چاپ: سوم، تهران، ۱۳۷۷ش
- ۷- راغب اصفهانی، حسین بن محمد ، ترجمه و تحقیق مفردات الفاظ قرآن ، ترجمه و تحقیق غلامرضا خسروی حسینی ، ۲ جلد ، چاپ: دوم، تهران ، ۱۳۷۴ش
- ۸- زمانی، احمد ، حقایق پس از مرگ ، چاپ اول ، تهران ، انتشارات مؤسسه فرهنگی و هنری مشعر ، ۱۳۹۱
- ۹- سالک ، علی ، هزارو یک چرا ، چاپ دوم ، قم ، انتشارات ام ابیها ، زمستان ۱۳۸۲
- ۱۰- سبحانی ، جعفر ، خدا و معاد ، انتشارات توحید ، قم ، ۱۳۵۹
- ۱۱- طباطبایی ، محمد حسین ، تفسیر المیزان ، ترجمه محمد باقر موسوی همدانی ، ۲۰ جلد ، چاپ: پنجم، قم ، دفتر انتشارات اسلامی (وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم) ، ۱۳۷۴
- ۱۲- طبرسی، فضل بن حسن، ترجمه تفسیر مجمع البیان، ۲۷ جلد، چاپ: اول ، تهران ، انتشارات فراهانی ، بی تا
- ۱۳- عالی ، مسعود ، سرنوشت انسان برزخ و نفخه صور ، چاپ سوم ، بی جا ، انتشارات عطش ، ۱۳۹۲
- ۱۴- فربودی ، مهدی ، برزخ ، چاپ دوازدهم ، قم ، انتشارات دیوان ، قم ، ۱۳۸۶
- ۱۵- قاسمی ، علی محمد ، برزخ ، چاپ چهارم ، انتشارات مؤسسه آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله علیه ) ، ۱۳۸۸
- ۱۶- کاشفی ، محمدرضا ، پرسش ها و پاسخ های دانشجویی فرجام شناسی ، انتشارات دفتر نشر معارف ، ۱۳۸۶
- ۱۷- لطیفی ، رحیم ، عالم برزخ ، چاپ اول ، قم ، انتشارات مرکز مدیریت حوزه علمیه قم ، ۱۳۸۸
- ۱۸- مکارم شیرازی و همکاران ، ناصر ، تفسیر نمونه ، ۲۷ جلد ، چاپ: سی و دوم ، تهران ، دارالکتب الاسلامیه ، ۱۳۷۴

## منابع عربی:

- ۱- ابن بابویه ، علی بن محمد ، شیخ صدوق ، من لا یحضره الفقیه ، ۴ جلد ، قم ، دفتر انتشارات اسلامی وابسته به جامعه مدرسین حوزه علمیه قم ، ۱۴۱۳ ق
- ۲- عیاشی ، محمد بن مسعود ، تفسیر العیاشی ، تحقیق و تصحیح هاشم رسولی محلاتی ، چاپ: اول ، تهران ، ۱۳۸۰ ق
- ۳- فیض کاشانی ، محمد بن شاه مرتضی ، المحجۀ البیضاء فی تهذیب الإحیاء ، ۸ جلد ، چاپ: چهارم ، قم ، مؤسسه النشر الاسلامی التابعه لجماعه المدرسین بقم ، ۱۳۷۶
- ۴- قمی ، علی بن ابراهیم ، تفسیر قمی ، تحقیق طیب موسوی جزایری ، ۲ جلد ، قم ، دارالکتاب ، ۱۴۰۴ ق
- ۵- کلینی ، محمد بن یعقوب ، الکافی ، ۸ جلد ، چاپ: چهارم ، تهران ، دار الکتب الاسلامیه
- ۶- مجلسی ، محمد باقر بن محمد تقی ، بحار الأنوار الجامع لدرر الانوار ، ۱۱۰ جلد ، چاپ: دوم ، بیروت ، ۱۴۰۳ ق
- ۷- نوری ، حسین بن محمد تقی ، مستدرک الوسائل و مستنبط المسائل ، ۲۸ جلد ، چاپ: اول ، قم ، ۱۴۰۸ ق

## مجموعه مقالات :

- ۱- مصطفی ، آزادیان ، "سیمای انسان در عالم برزخ" ، ره توشه راهیان نور، متون علمی آموزشی مبلغان ، ویژه رمضان ۱۴۳۶ هـ-ق-۱۳۹۴ هـ-ش ، تهیه و تدوین دفتر تبلیغات اسلامی حوزه علمیه قم معاونت فرهنگی و تبلیغی ، بهار ۱۳۹۴ ،